

نقش یهود در دوران ظهور

از آیات قرآن اینگونه برداشت می‌شود که تاریخ یهودیان بعد از حضرت موسی تا پایان زندگانی‌شان در ایجاد فتنه و فساد در جامعه خلاصه می‌شود...



از آیات قرآن اینگونه برداشت می‌شود که تاریخ یهودیان بعد از حضرت موسی تا پایان زندگانی‌شان در ایجاد فتنه و فساد در جامعه خلاصه می‌شود، تا آنگاه که مجازاتشان فرا رسد و خداوند افرادی را برانگیزد که به سهولت بر آنان چیره شوند. اگر به جز آیات نخستین سوره «بنی اسرائیل»، پیرامون نقش یهودیان در آخر الزمان و عصر ظهور حضرت مهدی (ع)، چیز دیگری هم در اختیار نداشتیم، همان کافی بود؛ زیرا این آیات در عین کوتاهی، آیات وحی الهی و بسیار رسا و گویا هستند که خلاصه‌ای از تاریخ را بیان کرده و به شکل معجزه آسا و با دقت تمام، آینده را روشن ساخته است. در حالی که علاوه بر این آیه‌ها و آیات دیگر، روایات بسیاری وجود دارد که بعضی مربوط به تفسیر آیات، و برخی دیگر پیرامون وضع یهودیان در عصر ظهور و انقلاب حضرت مهدی (ع) است، که پس از تفسیر آیات به بیان آنها نیز خواهیم پرداخت.

وعده الهی نسبت به نابودی یهودیان

خداوند در سوره بنی اسرائیل آیات 4 تا 8 می‌فرماید:

وقضینا إلی بنی اسرائیل فی الکتاب لتفسدن فی الأرض مرتین ولتعلن علواً کبیراً.

ما در تورات به بنی اسرائیل حکم قطعی کردیم که شما در زمین دو بار فساد خواهید کرد و برتری طلبی و طغیان بزرگی خواهید نمود.

یعنی ما در توراتی که بر آنان فرستادیم حکم قطعی کردیم که شما به زودی از راه راست منحرف شده و دو بار در جامعه فساد و تبهکاری می‌کنید، همچنانکه به زودی بر دیگران برتری‌جویی و طغیان بزرگی خواهید نمود.

فإذا جاء وعد أولاهما بعثنا علیکم عبداً لنا أولى بأس شدید... .

چون وقت مجازات شما بر نخستین فساد و تبهکاریتان رسید، بندگانی که منسوب به ما هستند به سویتان می‌فرستیم، بندگانی با صلابت و سرسخت که بر سرتان فرود آیند.

فجاسوا خلال الدیار وکان وعداً مفعولاً.

که در میان خانه‌ها به جست‌وجوی [شما] پردازند و این وعده‌ای قطعی و انجام شدنی است.

این جمله کنایه از سهولت فتح نخستین فلسطین به دست مسلمانان است، که سپاه مسلمانان به جست‌وجوی خانه به خانه بقایای دشمنان یهودی خود می‌پردازند و این وعده‌ای، قطعی است.

ثم ردنا لکم الکره علیهم وأمددناکم بأموال وبنین وجعلناکم اکثر نفیراً.

سپس شما را بر مسلمانانی که علیه شما برانگیختیم، پیروز گردانیم و به شما ثروتها و فرزندان عطا کنیم و از یاوران بیشتری برخوردار نماییم تا به کمک شما علیه آنان بستیزند.

إن أحسنتم أحسنتم لأنفسکم وإن أسأتم فلها... .

اگر خوبی کردید، خوبی به خود نموده‌اید و اگر بدی کرده‌اید... .

و آنگاه وضع شما مدتی بدین گونه ادامه پیدا می‌کند و چنانچه توبه نموده و به واسطه نعمتهایی که از ثروتها و اولاد به شما بخشیدیم، نیک عمل نمودید به سود خودتان بوده و اگر به بدی و طغیان و خود بزرگ‌بینی پرداختید فرجام بد آن، مربوط به خودتان خواهد بود.

فإذا جاء وعد الآخرة ليسؤوا وجوهکم وليدخلوا المسجد كما دخلوه أول مرة ولیتبروا ما علواً تتبیراً.

و چون وعده [کیفر طغیان] بار دوم فرا رسد، [مخالفتان] چهره‌های شما را غمبار و سیاه گردانند و وارد مسجد [الاقصی] گردند همانگونه که نخستین بار داخل شدند و بر آنچه دست یافتند به کلی نابود کنند.

اما شما در آینده نه تنها عمل نیک انجام نمی‌دهید بلکه به اعمال بد دست می‌زنند، ما شما را مهلت می‌دهیم تا روزی که وقت مجازات و کیفر شما بر دومین فسادتان فرا رسد، آنگاه بندگانی از سوی خراسان را که به مراتب سخت‌تر از مرحله اول رفتار می‌نمایند، بر شما مسط می‌کنیم تا آنچه را از آن بیمناک و گریزانید بر شما تحمیل کنند و چهره‌هایتان را غمبار و افسرده سازند. و فاتحانه وارد مسجد الاقصی گردند، همانطور که در زمان تعقیب خانه به خانه شما در مرحله اول، وارد گردیده و برتری‌جویی و فسادگرایی شما را به نابودی کشانند.

عسی ربکم أن یرحمکم وإن عدتم عدنا وجعلنا جهنم للکافرین حصیراً.

[اگر توبه کنید] امید است که پروردگارتان بر شما ترحم کند و اگر [به فساد] بازگردید ما نیز [به کیفر شما] باز می‌گردیم و جهنم را برای کافران زندانی تنگ قرار دادیم.

شاید پروردگارتان شما را بعد از دومین کیفر با هدایت خویش مورد رحمت قرار دهند و چنانچه بعد از آن دوباره به انحراف و فساد روی آورید، ما نیز مجازات شما را آغاز می‌کنیم و شما را در تنگنای دنیوی قرار داده و در آخرت دوزخ را زندان و حصار شما

خواهیم ساخت.

نخستین نتیجه‌ای که از این آیات قرآن گرفته می‌شود آن است که تاریخ یهودیان بعد از حضرت موسی تا پایان زندگانی‌شان در ایجاد فتنه و فساد در جامعه خلاصه می‌شود، تا آنگاه که مجازاتشان فرا رسد و خداوند افرادی را برانگیزد که به سهولت بر آنان چیره شوند.

سپس خداوند بنا بر حکمت و مصلحت خود، یهودیان را بر آنان پیروز گرداند، و به آنها مال و اولاد فراوان دهد و یاری‌کنندگان آنها را در دنیا افزایش دهد. اما یهودیان نه تنها از این اموال و یاران استفاده نمی‌کنند بلکه برای بار دوم در روی زمین به فساد و فتنه روی می‌آورند، البته این بار علاوه بر فساد، گرفتار خوی تکبر و برتری‌طلبی شده و خویش را بسیار بهتر و برتر از سایر مردم می‌پندارند.

و زمانی که لحظه کیفرشان فرا رسد خداوند بار دیگر آن قوم را بر آنان چیره ساخته، و مجازات شدیدتری را در سه مرحله بر آنها فرو می‌فرستد.

نتیجه دوم این که، گروهی که خداوند بار اول بر ضد یهودیان برمی‌انگیزد، به آسانی بر آنها چیره می‌شوند، آنگاه داخل مسجد الاقصی شده و به تعقیب خانه به خانه یهودیان می‌پردازند، و نیروی نظامی آنها را متلاشی می‌کنند.

آنگاه خداوند برای بار دوم آنها را به سراغ یهودیان می‌فرستد و با وجود غلبه یهودیان بر آنها و زیادی یاران و هواداران‌شان، ضربات شدیدتری را در سه نوبت از مسلمانان دریافت می‌کنند، که در اولین نوبت، چهره‌های پلید آنان را آشکار و آنها را رسوا ساخته و همانند نبرد سابق، فاتحانه وارد مسجد الاقصی می‌شوند. و سپس خوی تکبر و برتری‌جویی آنان بر ملتها را، درهم می‌شکنند. این نکته را از نظر ادبیات زبان عرب از حرف «لام» در سه جمله «لیسوا و جوهکم» و «لیدخلوا المسجد...» و «لیتبروا» می‌توان فهمید.

سؤال اساسی که مفسران مطرح می‌کنند این است که آیا این دو نوع فساد که در یکی از آنها حس خودخواهی وجود دارد، تمام شده و آن دو کیفر وعده داده شده بر آنان به وقوع پیوسته یا هنوز چنین حوادثی واقع نشده است؟

برخی از مفسران بر این عقیده‌اند که هر دو پیش‌بینی عملی شده است، بدین ترتیب که کیفر فتنه و فساد نخستین به دست «بنوخذ نصر» (بخت النصر) و مجازات دوم به دست «تیتوس» رومی عملی شده و بعضی دیگر معتقدند که هنوز آن دو کیفر رخ نداده است. اما نظریه درست این است که: اولین کیفر در برابر نخستین فساد، در صدر اسلام، به دست مسلمانان انجام گرفت، اما وقتی مسلمانان از اسلام فاصله گرفتند، خداوند یهودیان را بر آنان چیره ساخت، اما یهودیان مجدداً در زمین فساد و طغیان نمودند و هرگاه که مسلمانان دوباره به اسلام روی آورند زمانف کیفر دوم فرا رسیده و به دست مسلمانان انجام خواهد شد.

براساس همین تفسیر، از امامان معصوم (ع) روایاتی رسیده که در آنها آن قوم که خداوند در مرحله دوم علیه یهودیان برمی‌انگیزد، به حضرت مهدی (ع) و یاران او و به اینکه آنان اهل قم و کسانی هستند که خداوند آنها را قبل از ظهور حضرت برمی‌انگیزد، تأویل شده است.

در تفسیر عیاشی از امام باقر (ع) روایت شده که حضرت بعد از آنکه آیه شریفه «بعثنا علیکم عبداً لنا أولى شدید» را قرائت نمود، فرمود:

مراد از این آیه حضرت قائم (ع) و یاران اویند که نیرومند و باصلابت هستند.

و در تفسیر نورالثقلین از امام صادق (ع) نقل شده که آن حضرت در تفسیر همین آیه شریفه فرمود:

خداوند قومی را قبل از خروج حضرت قائم، برمی‌انگیزاند که دشمنی از دشمنان آل محمد (ص) را رها ننموده، مگر اینکه او را به هلاکت می‌رسانند.

و در کتاب بحارالانوار از امام صادق (ع) روایت شده که وقتی آن حضرت این آیه را قرائت فرمود، عرض کردیم:

فدایت گردیم آنها چه کسانی هستند؟ امام سه بار فرمودند: به‌خدا سوگند اهل قم هستند، به‌خدا سوگند اهل قم هستند، به‌خدا سوگند اهل قم هستند. 1

این سه روایت از نظر مفهوم یکسان بوده و تعارضی بین آنها نیست؛ چرا که اهل قم یعنی شیعیان حضرت که از ایران هستند و روایت شده که آنها با حضرت قیام کرده و یاری‌اش می‌کنند.

به نظر می‌رسد که مقاومت یهودیان در مقابل پیروان حضرت در چند نوبت انجام می‌گیرد، تا آنکه امام مهدی (ع) ظهور کند و نابودی نهایی یهودیان به رهبری وی و به دست با کفایت او، ارواحنا فداه، تحقق یابد.

از جمله مطالبی که دلالت دارد دومین کیفر وعده داده شده یهودیان به دست مسلمانان انجام خواهد گرفت، این است که آن قومی که خداوند وعده فرموده، دو بار علیه یهودیان برمی‌انگیزد، يك امت بوده و صفاتی که برای آنان یاد شده و ویژگی‌ها ف جنگف آنان با یهودیان جز بر مسلمانان تطبیق نمی‌کند. پس پادشاهان مصر، بابل، یونان، ایران، روم و دیگران که در طول تاریخ بر یهودیان تسلط یافتند، هیچکدام با صفت «عباداً لنا» (بندگان ما) که در قرآن آمده، سازگاری ندارند، وانگهی بعد از کیفر اول حادثه‌ای هم پیش نیامده که یهودیان بر هیچیک از آنان چیره گردند، در حالی که پس از مجازات اول یهودیان در صدر اسلام، بار دیگر یهودیان بر ما غلبه پیدا نمودند، و خداوند آنها را با اموال و فرزندان یاری کرد، و طرفداران آنها را نیز با حمایت ابرقدرتها بیش از ما قرار داد.

و هم آنان هستند که در زمین فساد نموده، و بر ما و سایر ملتها، برتری طلبی می‌کنند و این مجاهدان و کفرستیزان اسلام هستند که ضربات خود را بر پیکر آنها وارد ساخته و چهره آنان را در غم و اندوه فرو می‌برند.

با بررسی تاریخ یهود بعد از حضرت موسی(ع) روشن می‌گردد که فتنه‌گری و فسادانگیزی در گذشته و حالف یهود وجود داشته است، اما برتری وعده داده شده آنها تنها در زمان ما به‌وجود آمده است و البته کیفر وعده داده شده خداوند نیز در پی آن خواهد آمد.

این مطلب برای تمام کسانی که از تاریخ یهود آگاهی دارند، کاملاً واضح و آشکار است.

وعده خداوند نسبت به تسلط دائم بر یهودیان

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

آنگاه که پروردگارت اعلام نمود که حتماً تا روز قیامت بر آنان (یهود) کسانی را خواهد انگیزت که پیوسته عذابی سخت بر آنها روا دارند، همانا پروردگار تو زود کیفر و [در عین حال] بسیار آمرزنده و مهربان است × و آنها (یهود) را روی زمین به صورت گروههایی پراکنده کردیم، برخی از آنان نیکوکارند و برخی فروتر از آنها و آنان را با خوشی و ناخوشی آزمودیم، شاید که [به سوی حق] باز گردند.²

معنی دو آیه شریفه این است که خداوند اعلان و مقدر فرموده که در آینده، افرادی را بر یهود مسلط می‌گرداند که تا روز رستاخیز آنان را به عذابی سخت گرفتار سازد. او خدایی است که به سرعت کیفر می‌دهد و بسیار آمرزنده و مهربان است. و از جمله مجازاتهای خداوند درباره یهودیان این است که آنها را در زمین پراکنده و دسته دسته می‌گرداند، گروهی از آنان نیکوکار و گروهی بدکارند و آنها را با خیر و شر آزمایش می‌کند شاید توبه نموده و هدایت شوند.

ما اجرای این وعده الهی در کیفر یهود را، در تمام دورانهای تاریخی آنان به استثنای دوران حکومت پیامبرانی چون موسی، یوشع، داود و سلیمان(ع) مشاهده می‌کنیم و خداوند همواره اقوام و ملت‌های مختلفی را بر آنها مسلط گردانیده که آنان را به عذابی دردناک گرفتار نموده‌اند.

ممکن است گفته شود که پادشاهان مصر، بابل، یونان، فارس، روم و دیگران بودند که بر یهودیان تسلط یافته و آنان را مجازات سختی نمودند اما مسلمانان چنان رفتاری با آنها نکرده‌اند، بلکه تنها بر نیروهای نظامی آنها پیروز گشتند و سپس زندگی در سایه دولت اسلامی را از آنان پذیرفتند، تا با برخورداری از آزادی و حفظ حقوق خود در سایه قوانین اسلامی زندگی کرده و جزیه بپردازد.

اما پاسخ این است که معنی عذاب سخت این نیست که پیوسته آنها را کشته یا آواره و زندانی نمایند، آن‌چنانکه بیشتر حکومت‌هایی که پیش از اسلام بر آنان تسلط یافتند، اینگونه عمل کردند، بلکه به این معنی است که آنها از لحاظ نظامی، سیاسی، تسلیم آن حکومتی می‌گردند که خداوند بر آنان مسلط ساخته، اگرچه مسلمانان در کیفر دادن یهودیان، از دیگران ملایم‌تر بودند، اما همان سیطره مسلمانان، مصداق تسلط بر یهودیان، و کیفر نمودن آنان است.

گاهی نیز گفته می‌شود: تاریخ یهود تطبیق این وعده خدا را بر آنها گواهی می‌دهد ولی در يك و یا حداقل نیم قرن اخیر، کسی که آنان را مجازات و کیفر دهد بر آنان مسلط نشده، بلکه آنان از سال 1936 میلادی بدترین شکنجه‌ها را در فلسطین و دیگر مناطق به مسلمانان روا می‌دارند! این قضیه را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟

پاسخ این است که: این دوره از تاریخ زندگی یهودیان استثناست؛ زیرا این همان دوره بازگشت قدرت آنهاست که خداوند در سوره اسراء به آنان وعده فرموده است:

سپس پیروزی شما را بر کسانی که آنان را علیه شما برانگیختیم برگردانده و به شما اموال و فرزندان عطا کرده، و شما را از یارانی بیش از تعداد آنان برخوردار سازیم تا با همکاری شما بر ضد آنها بستیزند.³

بنابراین، این دوره خارج از وعده کلی تسلط بر آنهاست تا اینکه وقت کیفر و مجازات دوم به‌دست مسلمانان فرا رسد.

در این زمینه روایاتی از ائمه(ع) رسیده که وعده الهی در سرکوب مجدد یهود نیز بدست مسلمانان انجام می‌پذیرد، مؤلف مجمع البیان، در ارتباط با سرکوب یهود در طغیان دوم آنان، اتفاق نظر مفسران را بیان کرده و فرموده مراد از آن نزد تمام مفسران، امت پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) است، و همین معنی از امام باقر(ع) نقل شده، وعلی بن ابراهیم قمی، در تفسیر خود آن را از ابی الجارود، از امام باقر(ع) بیان کرده است.

وعده خداوند در فرونشاندن آتش جنگ یهودیان

خدای متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

یهودیان گفتند دست خدا بسته است، دستهای خودشان بسته باد، و به سبب این گفته از رحمت خدا دور باشند. بلکه دستهای [قدرت] خدا گشوده است و هرگونه بخواهد انفاق می‌کند... آنچه از ناحیه پروردگار بر تو فرود آمده، بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می‌افزاید و ما میان آنان تا روز رستاخیز، کینه و دشمنی انداختیم، و هر وقت آتش جنگی را برافروختند، خداوند آن را خاموش گردانید، آنان سعی در ایجاد فساد در زمین دارند و خداوند فساد کنندگان را دوست ندارد.⁴

این وعده الهی بر فرو نشاندن آتش جنگ‌هایی است که یهودیان می‌افروزند. خواه مستقیماً خود آنان جنگ‌افروزی نمایند و یا اینکه دیگران را به جنگ تحریک کنند و این وعده الهی به دلیل لفظ «کَلِّمًا أَوْ قَدُوا» یعنی «هر وقت آتش افروزی نمایند» بدون استثناء است.

تاریخ گذشته و حال یهود گواهی می‌دهد که آنها همواره در پشت پرده بسیاری از آشوبها و جنگها بوده‌اند، اما خداوند با لطف و عنایت خویش وعده خود را نسبت به مسلمانان و بشریت تحقق بخشیده، و مکر و حيله یهود را باطل و نقشه‌هایشان را خنثی و آتش جنگ آنان را فرو نشانده است.

شاید بزرگ‌ترین آتش جنگ و آشوبی که آنان علیه مسلمانان و جهانیان برافروخته‌اند، همین نبرد فعلی باشد که جهت دامن

زدن به آن، شرق و غرب را تحریک نموده و خودشان در فلسطین به طور مستقیم، و در اکثر کشورهای جهان به طور غیر مستقیم طرف درگیری‌اند، و آنچه باقی مانده وعده خداوند است که با فرو نشانیدن این جنگ تحقق می‌یابد. از آیه شریفه یادشده چنین استفاده می‌شود که دشمنی و درگیری داخلی آنها، خود یکی از اسباب لطف الهی جهت فرو نشانیدن آتش جنگ آنها خواهد بود.

و ما میان آنان تا روز قیامت دشمنی و کینه‌توزی افکندیم و هرگاه آتش جنگی را برافروختند، خداوند آن را فرو نشاند.

حال به روایاتی می‌پردازیم که از نقش یهود در عصر ظهور سخن می‌گویند:

برخی از روایات عصر ظهور، مربوط به گرد آمدن یهودیان در فلسطین قبل از جنگی‌ست که نابودی آنها را در پی دارد که تفسیری بر این آیه شریفه است:

...به بنی اسرائیل گفتیم در زمین ساکن شوید و زمانی که قیامت فرا رسد شما را با همدیگر [به صحنه محشر] می‌آوریم. 5 یعنی شما را از هر ناحیه‌ای گردهم می‌آوردیم، چنانکه در تفسیر نورالثقلین آمده است. حدیث دیگر درباره اجتماع و کارزار یهودیان در عکا است، از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود:

آیا شنیده‌اید نام شهری را که بخشی از آن درون دریاست؟ عرض کردند: آری، فرمود: قیامت به پا نمی‌شود مگر آنکه هفتاد هزار تن از فرزندان اسحاق به این شهر یورش برند. 6

و از امیر مؤمنان(ع) روایت شده است که فرمود:

در مصر منبری را بنا نموده و دمشق را قطعاً تخریب خواهم کرد و یهودیان را از شهرهای عربی بیرون می‌رانم و با عصایم عربها را به پیش خواهم راند. راوی این حدیث (عبایه اسدی) می‌گوید: پرسیدم ای امیر مؤمنان، شما به گونه‌ای خبر می‌دهید که به یقین پس از مردن زنده خواهید شد؟ فرمود: هیئات ای عبایه که متوجه نشدی! مردی از تبار من؛ یعنی مهدی(ع) این کارها را انجام می‌دهد. 7

روایت این نکته را می‌فهماند که یهودیان بر بسیاری از شهرهای عرب تسلط و یا در آن حضور مؤثر دارند.

از جمله روایاتی که در ارتباط با یهودیان است، حدیث کشف معبد توسط آنهاست، تعبیر «کشف هیکل» (معبد) در شمار نشانه‌های ظهور آمده، که ظاهراً کشف معبد حضرت سلیمان(ع) است، از امیر مؤمنان(ع) نقل شده که فرمودند:

ظهور آن حضرت نشانه‌ها و علاماتی دارد: نخست محاصره کوفه با کمین و پرتاب سنگ، و ایجاد شکاف و رخنه در زوایای کوچه‌های کوفه و تعطیلی مساجد به مدت چهل شب و کشف معبد و به اهتزاز درآمدن پرچمهایی گرداگرد مسجد بزرگ (مسجد الحرام) است. قاتل و مقتول در این ماجرا، در آتش‌اند. 8

احتمال دارد که آن معبد، اثر تاریخی غیر از معبد حضرت سلیمان بوده و یا در محل دیگری غیر از قدس باشد، چون عبارت «کشف معبد» به طور کلی یاد شده و نامی از کاشف آن به میان نیامده است.

بخشهای اول این روایت نشانگر حالت جنگ در کوفه است که در روایات، گاهی از آن به عراق یاد می‌شود، اما در این جا به معنی همان شهر کوفه و محدوده آن و درهم کوبیدن آن و ایجاد موانع دفاعی در گوشه و کنار آن است.

اما پرچمهای گوناگون در اطراف مسجد الحرام، اشاره به درگیری و کشمکش قبایل بر سر حکومت دارد که اندکی پیش از ظهور حضرت پدید خواهد آمد و در این زمینه روایات فراوانی وارد شده است.

دسته‌ای دیگر از احادیث، روایاتی است که به معرفی افرادی می‌پردازد که خداوند بعد از فسادآفرینی و تکبرجویی یهودیان بر آنان مسلط می‌گرداند، که تعدادی از آنها در تفسیر آیات قرآن مجید گذشت، و برخی دیگر درباره ایران و شخصیت‌های ایرانی در زمان ظهور است، مانند حدیث «پرچمهای سیاه» که توسط روایان متعدد نقل شده و در آن چنین آمده است.

درفشهای سیاه، از خراسان ظهور می‌کنند که هیچ چیز قادر به بازگرداندن آنها نیست، تا سرانجام در قدس برافراشته شوند. روایات مربوط به بیرون آوردن تورات اصلی از غاری در انطاکیه و کوهی در شام و فلسطین و دریاچه طبریه، توسط حضرت مهدی(ع) و استدلال آن حضرت بر یهودیان، به وسیله تورات نیز از جمله همین روایات است.

از پیامبر اسلام(ص) روایت شده که فرمود:

تورات و انجیل را از سرزمینی که انطاکیه نامیده می‌شود بیرون می‌آورد. 9

و نیز از آن بزرگوار نقل شده که فرمودند:

(صندوق مقدس) را از غاری در انطاکیه و بخشهای تورات را از کوهی در شام بیرون آورده و به وسیله آن با یهودیان به استدلال می‌پردازد و سرانجام بسیاری از آنها اسلام می‌آورند. 10

همچنین از پیامبر(ص) نقل شده که فرمود:

صندوق مقدس از دریاچه طبریه به وسیله او آشکار می‌شود و آن را در پیشگاه او در بیت‌المقدس قرار می‌دهند و چون یهودیان آن را مشاهده می‌نمایند، به جز اندکی بقیه ایمان می‌آورند. 11

و تابوت سکینه (صندوق مقدس) همان است که در فرموده خدای متعال آمده است:

پیامبرشان گفت: دلیل و نشانه بر پادشاهی او این است که آن تابوت (صندوق عهدی که موسی را در داخل آن به آب افکندند) به سوی شما می‌آید که در آن سکینه و آرامشی از ناحیه پروردگارتان وجود دارد و از آنچه آل موسی و آل هارون باقی گذاشته‌اند، که آنرا فرشتگان حمل می‌کنند، به راستی در آن نشانه‌ای [از صداقت حاکمیت طالوت] برای شماست چنانکه مؤمن باشید. 12

در تفسیر آیه آمده است که این صندوق که در آن میراث پیامبران وجود دارد، دلیل و نشانه‌ای برای بنی‌اسرائیل است مبنی بر

اینکه چه کسی شایستگی فرمانروایی را دارد، از این رو فرشتگان آن را آورده و از میان جمعیت بنی اسرائیل عبور داده و آنگاه در پیش روی طالوت(ع) قرار می‌دهند، سپس طالوت(ع) آن را به داوود و او به سلیمان و او به وصی خود آصف بن برخیا تسلیم می‌کند، اما بنی اسرائیل بعد از وصی حضرت سلیمان چون از دیگری اطاعت می‌کنند آن صندوق را از دست می‌دهند. و مراد از جمله «فیسلم کثیر منهم» (بسیاری از آنان ایمان می‌آورند) و یا «أسلمت إلاّ قليلاً منهم» (به‌جز اندکی از آنان بقیه ایمان می‌آورند) ممکن است کسانی باشند که صندوق مقدس را می‌بینند و یا کسانی که حضرت مهدی(ع) بوسیله تورات اصلی با آنان استدلال می‌نماید و یا افرادی که حضرت آنان را پس از آزاد سازی فلسطین در آنجا باقی می‌گذارد. در روایتی دیگر آمده که تعداد سی هزار نفر از یهودیان به حضرت ایمان می‌آورند که نسبت به کل جمعیت آنان، رقم اندکی است.

از جمله روایتهای مربوط به یهود، روایتهای درگیری حضرت و یارانش با یهودیان است. همچون حدیث بیرون راندن آنان از جزیره العرب توسط آن حضرت که گذشت. این اقدام حضرت با پیروزی بر یهودیان و بیرون راندن آنان از فلسطین به پایان می‌رسد، علمای شیعه و سنی روایات مربوط به نبرد بزرگ حضرت مهدی(ع) با سفیانی را نقل کرده‌اند، نبردی که از پشتیبانی یهودیان و رومیان برخوردار است. این نبرد در جبهه‌ای از انطاکیه تا عکا امتداد دارد؛ یعنی در طول ساحل سوریه، لبنان و فلسطین و از آنجا تا طبرستان، دمشق و قدس ادامه می‌یابد. شکست بزرگ وعده داده شده یهود در آنجا اتفاق می‌افتد به‌گونه‌ای که سنگ و درخت به سخن می‌آیند که ای مسلمان! این شخص یهودی است، او را بکش.

حدیث دیگر مربوط به نبرد «مرج عکا» است که شاید جزیی از جنگ بزرگ 0
علی کورانی

مترجم: مهدی حقی

پی‌نوشتها:

× متن حاضر از ویرایش جدید کتاب «عصر ظهور» که با ترجمه مجدد و اصلاحات اساسی از سوی مؤلف به زودی منتشر خواهد شد، برگزیده شده است.

1. بحارالانوار، ج 60، ص 216.

2. سوره اعراف(7) آیه 167-168.

3. سوره اسراء(17) آیه 6.

4. همان، آیه 104.

5. همان.

6. مستدرک حاکم، ج 4، ص 476.

7. بحارالانوار، ج 53، ص 60.

8. همان، ج 52، ص 273.

9. همان، ج 51، ص 25.

10. منتخب‌الأثر، ص 309.

11. الملاحم والفتن، ص 57.

12. سوره بقره(2) آیه 248.

13. بشارة الاسلام، ص 297.

14. الزام‌الناصب، ص 224

منبع: فارس